

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سلسله نشست های فرهنگ سازی و تبیین

«نقشه جامع مدیریت اسلامی» «نجما»

بخش اول: مبانی مدیریت اسلامی
بخش دوم: مسائل مدیریت اسلامی

ارائه: حجة الاسلام دکتر ولی الله نقی پور فر

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

و مسئول انجمن مدیریت اسلامی حوزه علمیه قم

V-naghipoor@qom.ac.ir



انتشارات دانشگاه قم

نقشه جامع
مدیریت اسلامی
«نجا»
حوزه پژوهش

ویرایش ششم

به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی
(مصاحبه‌ها و نشست‌ها)

پژوهش: کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی

نظارت علمی: دکتر علی رضائیان

مسئول کارگروه: حجت‌الاسلام دکتر ولی‌الله نقی‌پورفر

نقشه جامع مدیریت اسلامی (ویرایش ششم)
به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی

Comprehensive Map
of
Islamic Management
CMIM (NAJMA)
The Research Part

(Sixth Edition)

Along with critique of
The Management Professors and Humanities
(Interviews and Meetings)

The Research by: The Fundamental Workgroup of Islamic Management
Scientific Supervisor: Ali Rezaeian, PH. D
Responsible of the Work group: Vli Allah Naghipour Far, PH. D

گزیده‌ای از مقدمه دکتر علی رضائیان:

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجا» مبتنی بر اسناد بالادستی، دیدگاه نخبگان حوزوی و دانشگاهی مدیریت اسلامی و دیدگاه نخبگان مسلمان در زمینه مبانی و مسائل علوم انسانی و دانش مدیریت است. از ویژگی‌های اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجا»، انجام پژوهش‌ها، مبتنی بر «اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی»، در دو سطح مطلوب و قابل قبول، است. که بر اساس روش‌های چهارگانه جامع «نقلی و حیاتی، عقلی، تجربی و شهودی»، همه توانمندی‌های تخصصی حوزوی و دانشگاهی، را ارج می‌نهد و در انجام پژوهش‌ها، از تمام آن‌ها، به تناسب، بهره می‌گیرد. این نقشه به همت مراکز و پژوهشگران فعال قم و تهران در زمینه مدیریت اسلامی، و مصاحبه‌ها و نشست‌های ملی با اساتید مدیریت و علوم انسانی در سه حوزه پژوهش، آموزش و اجرا سیاست‌گذاری شده است و هم اینک، نقشه جامع مدیریت اسلامی در حوزه پژوهش، تدوین گشته و بستر مناسبی را برای تعریف منطقی، نظام‌یافته و هماهنگ طرح‌های پژوهشی مدیریت اسلامی فراهم آورده است. ...

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»

مقدمه: تعریف

❖ «نجما، مجموعه‌ای است جامع، هماهنگ، پویا و آینده‌نگر، شامل «مبانی (محتوایی و روشی)»، «مسائل مدیریت اسلامی»، و «الزامات اجرایی»، در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، در راستای اهداف نظام اسلامی، برای دستیابی به مدیریت مطلوب فراگیر، متوازن و نظام‌مند در همه سطوح و همه ارکان نظام اسلامی». ❖ این تعریف با الهام از «نقشه جامع علمی کشور»، ارائه شده است.

❖ ارکان نقشه جامع:

➤ مبانی (محتوایی و روشی)

➤ مسائل

➤ الزامات اجرایی

❖ حوزه های نقشه جامع:

➤ پژوهش

➤ آموزش

➤ اجرا

قرآن و سنت معصومین (ع)، و محکمت عقلی و تجربی
اسناد بالادستی | دستاوردهای علمی پژوهشی

«نجما» حوزه پژوهش

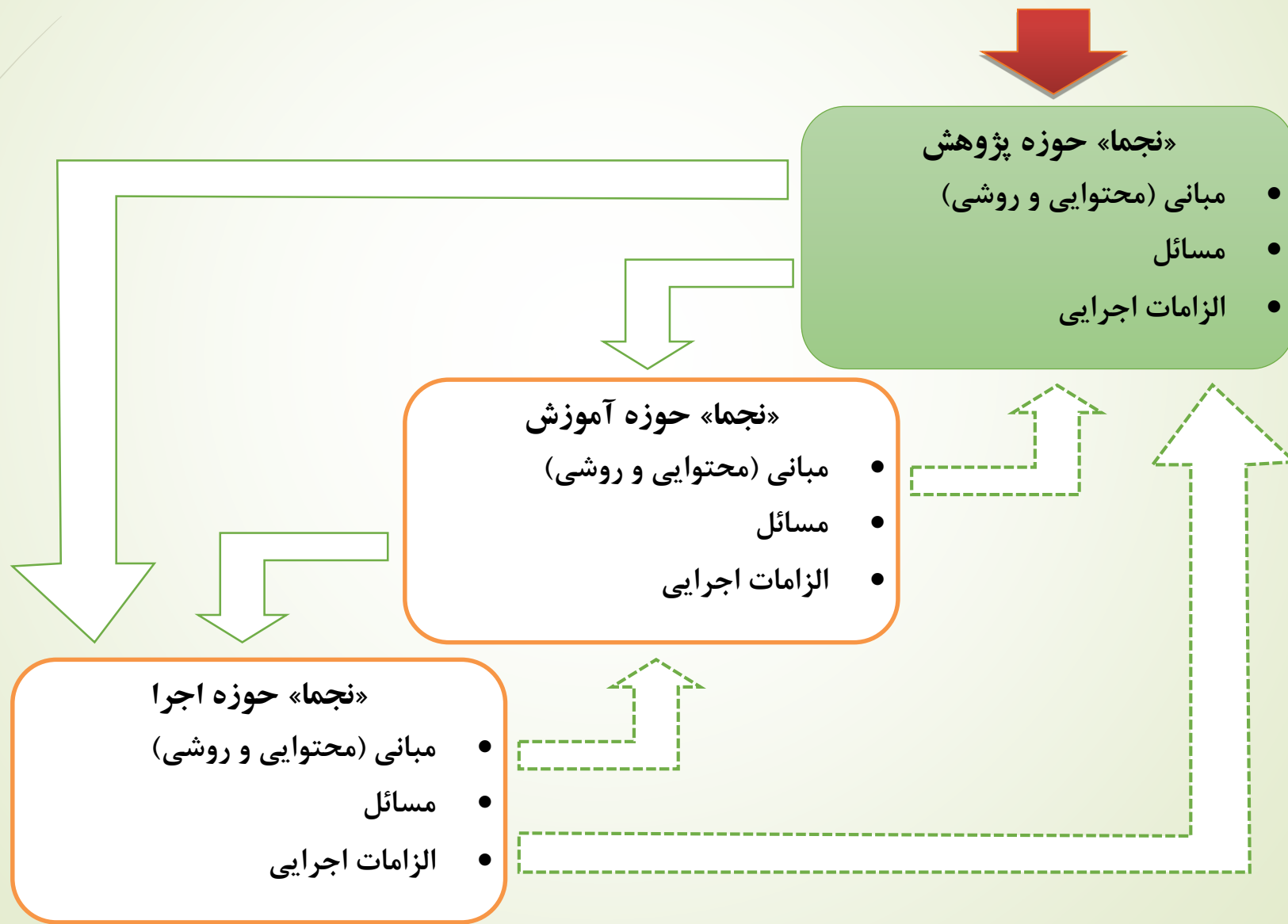
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه آموزش

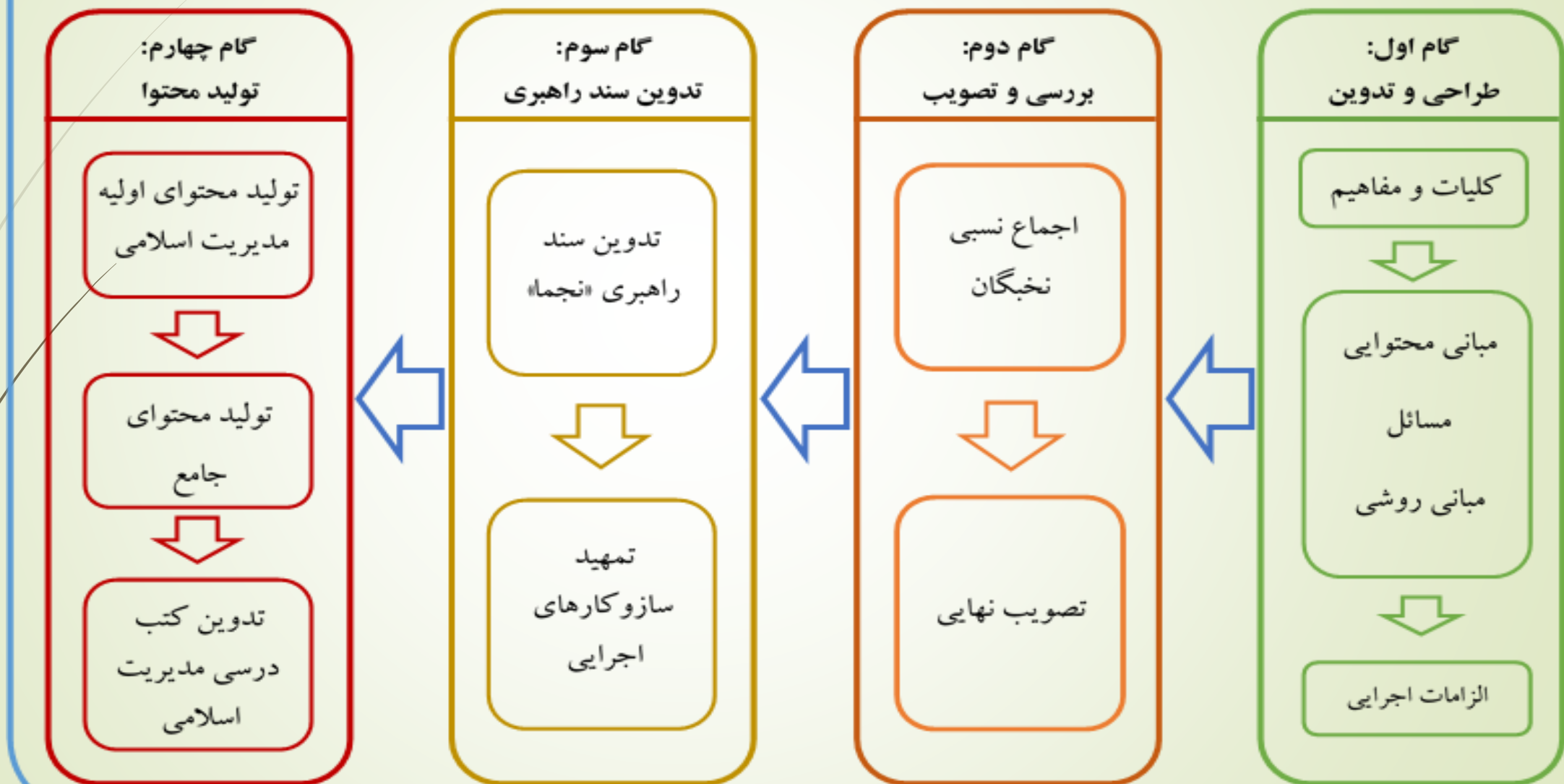
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه اجرا

- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی



مراحل تحقق «نجما» در حوزه پژوهش



مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجما")

«نقشه جامع علم»:

«نقشه جامع علم» در منظر «نجما»، ناظر به نظام موضوعات «مبانی، مسائل و الزامات اجرایی» یک علم است؛ که در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این تقسیم، «مسائل»، قسیم «مبانی» است.

«مبانی علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که «اصول متعارفه» (بدیهیات اولیه) و «اصول موضوعه علم» (پیش‌فرض‌های علم) را در سه سطح عام، خاص و اخص تشکیل می‌دهد».

«مبانی مدیریت اسلامی»

بنابراین «مبانی مدیریت اسلامی» شامل «اصول متعارفه و اصول موضوعه عام» (مبانی عام علوم انسانی) و «اصول موضوعه خاص و اخص» (مبانی خاص و اخص مدیریت اسلامی) است.

«مسائل علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که موضوعات آنها زیر چتر عنوان جامعی (کل یا کلی) قرار می‌گیرند؛ که آن عنوان جامع، موضوع علم را تشکیل می‌دهد».

بنابراین هر آنچه «درون یک علم»، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، «مسائل علم» را تشکیل می‌دهد.

«مسائل علم مدیریت اسلامی»

شامل «مسائل نظری (توصیفی-تجویزی) و مسائل الگویی» است.

مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجم")

«تقسیمات مبانی» و منطق آن

«مبانی هر علمی» در تقسیمی منطقی،

یا ناظر به «محتوای علم» است و یا ناظر به «روش علم» است که نحوه دستیابی به محتوای علم را ارائه می دهد.

از این رو، می توان، «مبانی علم»، را به «مبانی محتوایی» و «مبانی روشی» تقسیم کرد.

«مبانی محتوایی»، یا ناظر به «اصل شناخت» و یا ناظر به «متعلق شناخت» است.

«قسم اول»، «مبانی معرفت شناختی» است.

قسم دوم، یا ناظر به «بود و نبود»ها است و یا ناظر به «باید و نباید»ها است.

مورد اول، «مبانی هستی شناختی» است.

و مورد دوم، «مبانی الزام شناختی» است.

بنابراین، «مبانی علم»، منطقا، در چهار عرصه، مورد بحث قرار می گیرد:

الف. «مبانی محتوایی»: «مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی، و الزام شناختی»

ب. «مبانی روش شناختی»: «روش شناسی اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی».

- بدیهیات اولیه حاکم بر همه عرصه های:
- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی عام علوم انسانی:
اصول متعارفه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی عام علوم انسانی:
اصول موضوعه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی خاص و اخص
مدیریت اسلامی

- چارچوب ها، رویکردها و مکاتب
- نظریه ها
- اصول و قوانین

مسائل کلی مدیریت
اسلامی

- فاعل تدبیر
- فعل تدبیر
- وسایط تدبیر
- متعلق تدبیر (سنخ و موضوع)
- ظرف و محیط تدبیر
- هدف تدبیر

مسائل تفصیلی مدیریت
اسلامی

- الگوهای تدبیر ولایی الهی
- الگوهای مدیریت ولایی شیطانی

مسائل الگویی مدیریت
اسلامی

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»:
بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی

فصل اول:

مبانی معرفت‌شناختی مدیریت اسلامی

فصل دوم:

مبانی هستی‌شناختی مدیریت اسلامی

فصل سوم:

مبانی الزام‌شناختی مدیریت اسلامی

بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی:

مقدمه: قرآن و مدیریت

فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

گفتار اول: مبانی «هستی شناسی خالق»

گفتار دوم: مبانی «هستی شناسی مخلوق»

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الإنسان من علق» «إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الإنسان ما لم يعلم»
«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ إن إلى ربك الرجعى» (علق / ۱-۸)

❖ مسائل مدیریتی شب بعثت:

➤ منصب نبوت و ولایت:

• «انتصاب پیامبر اسلام (ص) به مدیریت و رهبری نظام خلقت و عالم انسانی»

• انتصاب امیر مؤمنان (ع) به وزارت و قائم مقامی پیامبر اسلام:

«اجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی؛ اشدد به ازری و اشركه فی امری کی نسبحک كثيرا و نذکرک كثيرا...» (طه /)

«انت منی بمنزلة هارون من موسى؛ الا انه لا نبی بعدی» (ص): (...)

«اری نور الوحی و اشم ریح النبوة؛ ... انک تسمع ما اسمع و تری ما اری؛ الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر» (نہج، خ قاصعه)

«و عنه ، عن عبد الله بن ميمون ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه قال: "وقف النبي (صلى الله عليه و آله) بعرج ثم قال:

«اللهم، إن عبدك موسى دعاك فاستجبت له، و ألقيت عليه محبة منك، و طلب منك أن تشرح له صدره، و تيسر له أمره، و تجعل له وزيرا من أهله، و تحل العقدة من لسانه؛ و انا أسألك بما سألك عبدك موسى أن تشرح به صدري، و تيسر لي أمري ، و تجعل لي وزيرا من أهلي عليا أخي» (قرب الاسناد، ص ۲۷) .

«يا سلمان ، إن موسى سأل ربه أن يجعل له وزيرا من أهله فجعل له أخاه هارون وزيرا . و إنني سألت ربي أن يجعل لي وزيرا من أهلي فجعل لي أخي أشد به ظهري و أشركه في أمري؛ فاستجاب لي كما استجاب لموسى في هارون .

يا سلمان ، لولا أن تفرط أمتي في أخي علي كإفراط النصارى في عيسى بن مريم لقلت فيه مقالة يتبعون آثار قدميه في التراب يقبلونه . (كتاب سليم، ص ۲۲۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

➤ مطالعه شهودی لوازم منصب مدیریت و رهبری:

• مطالعه شهودی کلی عوالم و منابع انفسی و آفاقی سازمان خلقت:

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الانسان من علق» (علق/۱-۲)

«و كذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض و ليكون من الموقنين» (انعام/)

• مطالعه شهودی کلی سیر تاریخی عملکرد مدیریت و رهبری انبیاء اولوا العزم در عالم انسانی:

«إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الانسان ما لم يعلم»؛

«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ ان الى ربك الرجعى» (علق/۲-۸)

❖ سیر کلی مدیریت الهی در جذب، گزینش و تربیت مدیران و رهبران الهی {انبیاء و اولیاء معصوم(ع) به ویژه پیامبر اسلام(ص):

➤ مقدمه:

«اشترکات و تمایزات در الگو گیری از مدیریت الهی، براساس ملاک وسع و امکانات (فعلی و تقدیری) غیر معصومین»

«لا یکلف الله نفسا الا وسعها» (بقره/۲۸۶) / «لا یکلف الله نفسا الا ما آتیها» (طلاق/۷)

«فلما فصل طالوت بالجنود؛ ... ان الله مبتلیکم بنهر ... قالوا: لا طاقة لنا الیوم بجالوت و جنوده؛

قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله: کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة بأذن الله؛ و الله مع الصابرين ... ربنا افرغ علينا صبرا و ...» (بقره/۲۵۰-۲۴۹)

«الا لله الذین الخالص...» (زمر/۳) / «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا، لفتحنا علیهم بركات من السماء و الارض؛» (اعراف/۹۶)

➤ مدیریت وراثت فرانسلی معصومین (ع):

«مدیریت اسلامی، هنر، علم و مهارت تدبیر امور ...»

«ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین؛ ذریه بعضها من بعض؛ و الله سمیع علیم» (ال عمران/۳۳-۳۴)

➤ مدیریت و تربیت شخصیت پیامبر از کودکی تا بعثت:

«و لقد قرن الله به صلی الله علیه و آله من لدن أن كان فطیما أعظم ملك من ملائکته؛ یسلك به طریق المکارم، و محاسن أخلاق العالم لیله و نهاره؛ (نهج، خ قاصعه، ۳۰۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المزمل؛ قم الليل إلا قليلا؛ نصفه او انقص منه قليلا؛ و رتل القرآن ترتيلا؛ انا سنلقي عليك قولا ثقيلا؛
إن ناشئة الليل هي أشد وطأ و أقوم قيلا؛ إن لك في النهار سبحا طويلا؛ ...
ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و ... و طائفه من الذين معك ...
فاقرؤوا ما تيسر من القرآن؛ علم ان سيكون منكم مرضى؛ و آخرون يضربون في الارض يبتغون من فضل الله؛ و
آخرون يقاتلون في سبيل الله؛ فاقروا ما تيسر منه ... (مزمل /)

”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المدثر قم فأنذر؛ و ربك فكبر و ثيابك فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستكثر و لربك فاصبر“ (مدثر /)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

❖ مسائل مدیریتی بعد از شب بعثت (سه سال اول):

➤ برنامه خود مدیریتی:

«یا ایها المزمل؛ قم اللیل إلا قليلاً؛ نصفه او انقص منه قليلاً؛ و رتل القرآن ترتیلاً؛ انا سنلقي عليك قولاً ثقیلاً؛

إن ناشئة اللیل هی أشد وطأً و أقوم قیلاً؛ إن لك فی النهار سبحاً طویلاً؛ ...» (مزمل/۱-۷)

«من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ من نفسه قبل تعليم غيره» (نهج،)

➤ دعوت و مدیریت و رهبری الهی غیر مستقیم و عدم اعلان رسمی:

«ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی...» (علق/۹-۱۰)/ «و اذا ذكرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا» (اسراء/)

➤ جذب و گزینش و تربیت نیروهای مستعد:

«ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و ... و طائفه من الذین معک ... فاقروا ما تیسر من القرآن؛ علم ان سیکون منکم مرضی؛ و آخرون یضربون فی الارض یتبعون من فضل الله؛ و آخرون یقاتلون فی سبیل الله؛ فاقروا ما تیسر منه ...» (مزمل/۲۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

❖ مسائل مدیریتی دعوت علنی (سال چهارم بعثت به بعد):

➤ آغاز اعلان رسمی مدیریت و رهبری الهی

«یا ایها المدثر قم فأنذر؛ و ربک فکبر و ثیابک فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستکثر و لربک فاصبر» (مدثر/۱-۷)

➤ معرفی قائم مقام و جانشین:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : يا بني عبد المطلب ! إني قد جئتكُم بخير الدنيا و الآخرة و قد أمرني الله أن أدعوکم إليه؛

فأيکم يؤازرنی علی هذا الامر علی أن یكون أخي و وصيي و خلیفتي فيکم؟

قال : فأحجم القوم عنها جميعا و قلت : يا نبي الله ! أكون وزيرك عليه ؟ فأخذ برقبتي ثم قال:

هذا أخي و وصيي و خلیفتي فيکم، فاسمعوا له و أطيعوا» علی (ع): (کنز العمال، ۱۳ / ۱۱۴)

«... فأیکم يؤازرنی علی أمری هذا ؟ فقلت ...: أنا یا نبي الله أكون وزيرك عليه !

فأخذ برقبتي فقال : إن هذا أخي و وصي و خلیفتي فيکم فاسمعوا له و أطيعوا ،

فقام القوم یضحکون و یقولون لأبي طالب : قد أمرک أن تسمع و تطیع لعلی» (علی): (کنز العمال، ۱۳ / ۱۲۳؛ ابن إسحاق و ابن جریر و...)

➤ گسترش تدریجی حیطة رسالت با روش پدری معنوی و رافت و عنایت و تدبیر مادرانه (استعاره مزغ با جوجه ها)

• انذار عشیره خود:

«و انذر عشیرتک الاقربین؛ و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» (شعراء/۲۱۴-۲۱۵)

• انذار مکه و عربستان:

«و کذلک اوحینا الیک قرانا عربیا لتنذر ام القرى و من حولها...» (شوری/۷)

• انذار جهانی:

«قل یا ایهاالناس؛ انی رسول الله الیکم جميعا ...» (اعراف/۱۵۸)

فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:



فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

گفتار اول: مبانی خالق شناختی «الله»: : نظام اسماء الله:

❖ نظام صفات ذاتی

❖ نظام صفات فعلی

گفتار دوم: مبانی مخلوق شناختی «آفاق و انفس»: : نظام آفاقی و انفسی:

❖ «نظام آفاقی»:

❖ «نظام انفسی»:

❖ «نظام آفاقی انفسی»:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

مقدمه: رابطه فعل الهی با عملکرد انسانها

➤ نظام تکوین و تشریح، تحت تدبیر ولایی دایمی «الله» قرار دارد:

«یدبر الامر من السماء الى الارض...» (سجده/۵)

➤ «ولایت الله» ذاتی است؛ و «تدبیر ولایی الله»، شامل «تدبیر نظام تکوین و تشریح» می باشد.

➤ هیچ حادثه‌ای شکل نمی‌گیرد، مگر به اذن خدا و تحت تدبیر الهی؛ لذا، بررسی «تدبیر ولایی الله»، از الزامات اولیه مدیریت اسلامی است:

«الا له الخلق و الامر، تبارک الله رب العالمین» (اعراف/۵۴)

پس، بدون توجه و لحاظ تدبیر «رب العالمین»، سخن از «مدیریت اسلامی» برای اهل ایمان، معنای صحیحی ندارد.

و «مدیریت اسلامی»، بایستی اهداف، برنامه ریزی و عملکرد خود را در طول «تدبیر الهی»، قرار دهد.

➤ «سنت‌های الهی در فرد، خانواده، جامعه و تاریخ» از جلوه‌های قدرتمند تحقق اراده و تدبیر خدا، است.

بنابراین، بررسی تدبیر ولایی الله، از راه سنن، نیز، از الزامات اولیه علم به مدیریت اسلامی است.

➤ غالب اوصاف الهی نسبت به مخلوق، اشتراک معنوی دارد (با حفظ تمایزات خالق و مخلوق)؛

و حرکت انسان‌ها در مسیر الهی، برای رسیدن به مراتبی از خلافت الهی (مظهریت متعالی اسماء و صفات الهی)، و تخلق به اخلاق الهی، می باشد.

بنابراین تدبیر الهی، (با حفظ تمایزات شؤون الهی از شؤون انسانی)، از باب «تخلقوا باخلاق الله»، الگوی مدیریت اسلامی را برای مدیران مسلمان ترسیم می کند.

«الگوی تدبیر ولایی الله»، شامل «الگوی تدبیر نظام عالم ملک و عالم ملکوت» می باشد.

➤ «تدبیر الله، در عالم ملک و ملکوت»، برحسب مراتب فرهیختگی علمی حصولی و شهودی، و میزان ولایت الهی پژوهشگران و مدیران اسلامی {مراتب سه گانه الزامات فقهی حقوقی (الزامات مسلمین)، اخلاقی (الزامات اهل ایمان) و عرفانی (الزامات اهل یقین و احسان)} قابل بهره‌برداری علمی و عملی می باشد.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

مقدمه:

الگو گیری از «نظم و نسق قرآنی»، از راهبردهای اساسی در تفکر دینی و تدوین ادبیات و اسناد دینی است؛

توحید و حمد، سور پایه در بررسی نظام اسماء الله:

آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور «توحید و حمد» از سور پایه در این زمینه می باشد؛

چرا که بنابر منطق قرآن و روایات، «بسم الله الرحمن الرحيم»، و «سوره حمد»، خلاصه کل قرآن»، و «سوره توحید، خلاصه ثلث قرآن»، تلقی شده است:

«يا ايها الملاء، انى القى اليّ كتاب كريم: انه من سليمان؛ و انه بسم الله الرحمن الرحيم ...» (نمل/۲۹-۳۰)

«في مهج الدعوات باسنادنا إلى محمد بن الحسن الصغار من كتاب فضل الدعاء باسناده إلى معاوية بن عمار عن الصادق عليه السلام أنه قال:

«بسم الله الرحمن الرحيم اسم الله الأكبر - أو قال : الأعظم». (نورالثقلين، ۱/۸)

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)

«... عن الحسن ابن علي عن أبيه علي بن محمد عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه الرضا عن آبائه عن علي عليهم السلام أنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول: إن الله تبارك و تعالى قال لي:

يا محمد؛ «و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)؛

فأفرد الامتنان عليّ بفاتحة الكتاب، و جعلها بإزاء القرآن العظيم ...» (نورالثقلين، ۱/ ۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

«و فی کتاب التوحید باسناده إلى أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«من قرأ قل هو الله أحد مرة واحدة فكأنما قرأ ثلث القرآن، و ثلث التوراة، و ثلث الإنجيل، و ثلث الزبور». (نور الثقلين، ۷۰۱/۵)

«في كتاب معاني الأخبار باسناده إلى الأصبع بن نباتة عن أمير المؤمنين عليه السلام حديث طويل يقول فيه عليه السلام:

«نسبة الله عز وجل، قل هو الله». (نور الثقلين، ۷۰۷/۵)

«و أخرج أبو عبيد و أحمد في فضائله و النسائي في اليوم و الليلة و ابن منيع و محمد بن نصر و ابن مردويه و الضياء في المختارة عن أبي بن كعب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه (و آله) و سلم:

«من قرأ قل هو الله أحد، فكأنما قرأ ثلث القرآن». (الدر المنثور، ۴۱۱/۶)

➤ این ویژگی «بسم الله...» و «سوره توحید و حمد»، بدین معنی است که:

«مرجع تمام اسماء و صفات اعظم الهی، اسماء الله مذکور در سوره «توحید و حمد» است»:

پس بایستی «نظام اسماء الله» بر محور و ظل «اسماء الله سوره توحید و حمد»، توصیف و تبیین گردد.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله...» و «سور توحید و حمد»

► نظام اسمایی «بسم الله الرحمن الرحيم»:

«الله»، «الرحمن»، «الرحيم» (و شديد العقاب) است.

► نظام اسمایی سوره توحید:

«قل هو الله احد؛ الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحید/۲-۵)

«الله» و دو اسم اعظم الهی کلیدی، «احد» و «صمد» است؛

فقره "لم يلد و لم يولد و ..." تفسیری از "صمد" است که در روایات بدان تذکر داده شده است:

قال وهب بن وهب القرشي : وحدثني الصادق جعفر بن محمد ، عن أبيه الباقر عن أبيه عليهم السلام أن أهل البصرة كتبوا إلي الحسين بن علي عليهما السلام، يسألونه عن الصمد فكتب إليهم: بسم الله الرحمن الرحيم، أما بعد فلا تخوضوا في القرآن ، ولا تجادلوا فيه ، و لا تتكلموا فيه بغير علم ، فقد سمعت جدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول : من قال في القرآن بغير علم فليتبوء مقعده من النار؛

و إن الله سبحانه قد فسر الصمد فقال: «الله أحد. الله الصمد» ثم فسره فقال: «لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا أحد» (صدوق، توحید، ۹۱)

► «احدیت و صمدیت»، در تحلیل عقلی و در تفاسیر روایی، هم ناظر به «صفات ذاتی» و هم ناظر به «صفات فعلی» است؛ بنا بر این:

► «مبانی خالق شناختی»،

هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات ذاتی «الله»، است.

و هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات فعلی «الله»، (شؤونات الهی در نظام عوالم هستی)، است.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق: «الله»: نظام اسماء الله:

«مبنتی بر تبیین سوره توحید»

«الله»، «مستجمع جمیع صفات کمال»:

➤ ویژگی های عمومی صفات ذاتی و فعلی:

❖ احدیت:

«... ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار» (یوسف/۳۹)

❖ صمدیت:

«یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر/۱۵)

➤ ویژگی های صفات ذاتی:

❖ حیات:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم؛ لاتأخذه سنة و لا نوم...» (بقره/۱۵۵)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سبح بحمده» (فرقان/۵۸)

❖ علم:

«هو الله الذی لا اله الا هو؛ عالم الغیب و الشهادة؛ هو الرحمن الرحیم» (حشر/۲۲)

❖ قدرت:

«الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن ینزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدير؛ و ان الله قد احاط بكل شیء علما»
(طلاق/۱۲)

«انی جاعل فی الارض خلیفة...» (بقره/۳۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت الهی: «متجلی در فکر و عقیده، منش و رفتار»:

❖ تجلی احدیت در کلمه توحید (فکر و عقیده):

➤ توحید در ذات و صفات الله: «حیات، علم و قدرت»:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم...» (بقره/۲۵۵)

➤ توحید در افعال الله: «خالقیت، ربوبیت، ملوکیت (حاکمیت و مدیریت عالم) و الوهیت»:

«الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل» (زمر/۱) / «قل اعوذ برب الناس، ملک الناس، اله الناس» (ناس/۱-۲)

❖ تجلی احدیت در توحید کلمه و عدم تفرقه (منش و رفتار): کلان راهبرد حاکم بر نظامات وجودی انسان:

«وحدت و هماهنگی در همه عرصه های تجلی نفس و عدم تفرقه»:

«و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (ال عمران/۱۰۲)

❖ تفرقه، نماد شرک (اکبر الكبائر!):

«... یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم» (لقمان/۱۲)؛ «و لاتکونوا من المشرکین؛ من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا؛ ...» (روم/۳۱-۳۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ نمادهای تشریحی احدیت الهی

❖ ده فرمان قرآنی متعالی محترم، تجلی عقلانی احدیت الهی و قدم اول مسلمانی

و زیر بنای ارزشهای فوق عقلانی اسلام:

«قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم، الا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا؛ ولا تقتلوا اولادکم من املاق؛ نحن نرزقکم و ایاهم؛ و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن؛ و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق؛ ذلكم وصيکم به لعلکم تعقلون»؛

«و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتي هي احسن حتى يبلغ اشده؛ و اوفوا الکيل و الميزان بالفسط؛ لانکلف نفسا الا وسعها؛ و اذا قلتهم فاعدلوا و لو کان ذا قربی؛ و بعهد الله اوفوا؛ ذلكم وصيکم به لعلکم تذكرون»

«و ان هذا صراطی مستقيما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبيله؛ ذلكم وصيکم به لعلکم تتقون» (انعام/۱۵۱-۱۵۲)

❖ نماز، (خصوصا نماز جماعت و جمعه)، اولین تجلی فوق عقلانی احدیت الهی:

«... و يعلمکم ما لم تكونوا تعلمون» / «... فاذکروا الله کما علمکم ما لم تكونوا تعلمون» (بقره/۱۵۱ و ۲۲۹)/ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

«ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون؛ و تقطعوا امرهم بینهم؛ کل الینا راجعون» (انبیاء/۹۲-۹۳)

«یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا انی بما تعملون علیم؛

و ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بینهم زبرا؛ کل حزب بما لديهم فرحون» (مومنون/۵۱-۵۲)

«حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی؛ و قوموا لله قانتین» (بقره/۲۲۸)

❖ کعبه، خانه معنوی بشریت، و حج ابراهیمی، نماد وحدت و هماهنگی جهانی امت اسلام و امت بشری:

«ان اول بیت وضع للناس للذی بکة مبارکا و هدی للعالمین؛

فیه آیات بینات؛ مقام ابراهیم و من دخله کان آمنا؛ و لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلا» (ال عمران/۹۶-۹۷)

«جعل الله الکعبة البيت الحرام قیاما للناس...» (مائده/۹۷)

«و فرض علیکم حجّ بینته الحرام... جعله سبحانه و تعالی للإسلام علما...» (نہج، خ ۱، ص ۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► احدیت الهی و مراتب وحدت (توحید کلمه):

❖ وحدت و هماهنگی در نظام وجودی:

«لا اقسام بیوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة» (قیامت/۱-۲) / یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم؛ لا یضركم من ضل اذا اهتديتم...» (مائده/۱۰۵)

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله...» (حشر/۱۸) / «اتقوا الله و كونوا مع الصادقین» (توبه/۱۱۹)

«افرأیت من اتخذ الهه هواه افانت تكون علیه وکیلا؛ ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون...» (فرقان/۲۳-۲۴)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام خانواده:

«... لتسکنوا الیها؛ و جعل بینکم مودة و رحمة...» (روم/۲۱) / «... و الصلح خیر...» (نساء/۱۲۸)

❖ وحدت و هماهنگی در سازمانها و نظامات اجتماعی:

«... فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم؛ و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مومنین» (انفال/۱)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام اسلامی:

«و اعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا...» (ال عمران/۱۰۳) / «ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ فان تنازعتم...» (نساء/۵۹)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اسلام:

«انما المومنون اخوه؛ فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون» (حجرات/۱۰)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اهل کتاب:

«یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و نشرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...» (ال عمران/۶۴)

❖ وحدت و هماهنگی با مستضعفین عالم:

«و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان... ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها؛ و اجعل...» (نساء/۷۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ وحدت و هماهنگی با نظام ملک و ملکوت:

«الله الذي سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض جميعا منه؛ ان فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون» (جاثیه/۱۳)

«... تنزل عليهم الملائكة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التى كنتم توعدون نحن اولياؤكم فى الحياة الدنيا و فى الآخرة...» (فصلت/۲۰-۲۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► پیش نیازها و الزامات تجلی احدیت الهی در جامعه:

➤ وحدت و هماهنگی در نظام تقنین قرآن محور:

مرجعیت قرآن و سنت معصومین(ع) / استقرار نظام تقنین صالح قرآنی (تفکیک مجلس کارشناسی و مجلس تقنین):

«... الم یؤخذ علیهم میثاق الكتاب الا یقولوا علی الله الا الحق و درسوا ما فیہ؛ و الدار الآخرة خیر للذین یتقون؛ افلاتتعقلون» (اعراف/۱۶۹)

➤ استقرار قانونی نظام شایسته سالار قرآن محور:

«و الذین یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوة انا لا نضیع اجر المصلحین... خذوا ما آتیناکم بقوة و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون» (اعراف/۱۷۰)

➤ استقرار نظام مشورت و مشارکت اجتماعی و سازمانی قرآن محور:

«و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة؛ و امرهم شوری بینهم؛ و مما رزقناهم ینفقون...» (شوری/۳۸)

«و ما اختلفتم فیہ من شیء فحکمه الی الله» (شوری/۱۰)

➤ وحدت و هماهنگی حوزوی، کشوری و لشکری در نظام امامت و رهبری قرآنی:

«و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا...» (ال عمران/ /) «و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتشکروا و تذهب ریحکم و اصبروا...» (انفال/۲۶)

➤ استقرار نظام جامع دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر (نظام جامع بازرسی و نظارت):

«و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛ و اولئک هم المفلحون؛ و لا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات؛ و اولئک لهم عذاب عظیم» (ال عمران/۱۰۴-۱۰۵)

➤ وحدت و هماهنگی در نظام قضاییه قرآن محور:

«انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله؛ و لا تکن للخائنین خصیما» (نساء/۱۰۵)

➤ استقرار نظام تنبیه و پاداش مضاعف نسبت به عملکرد سلسله مراتب مدیریت نظام اسلامی:

«... من یأت منکن بفاحشة مبینة یمضیها لها العذاب ضعفین؛... و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحا نؤتها اجرها مرتین...» (احزاب/۳۰-۳۱)

➤ استقرار نظام تنبیه غلاظ و شداد ناقصین وحدت اجتماعی و متعرضین به حیثیت سلسله مراتب مدیریت صالح،

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

احدیت الهی و عالم آخرت:

❖ «عالم آخرت»، تجلی گاه تمام عیار احدیت الهی (اسماء و صفات فعلی):

«مالک يوم الدين» (حمد/۴) / «يوم لا تملك نفس لنفس شيئا؛ و الامر يومئذ لله» (انفطار/۱۹)

«يوم هم بارزون؛ ...؛ لمن الملك اليوم؟! لله الواحد القهار» (غافر/۱۶)

❖ «باور به آخرت و آخرتگرایی»، موتور پیشران تحقق ارزش های الهی:

«هذا كتاب انزلناه مبارك ... و الذين يؤمنون بالآخرة يؤمنون به و هم على صلواتهم يحافظون» (انعام/۹۲) / «... فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/۴۵)
«وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة؛ و لا تنس نصيبك من الدنيا؛ و احسن ...؛ و لا تبغ الفساد في الارض؛ ان الله لا يحب المفسدين» (قصص/۷۷)

* توجه به «سنت اضطجاع»: اشتغال به ذکر الهی در حالت خوابیده به پهلو راست همچون میت در قبر، کمی قبل از نماز صبح بعد از نافلة صبح

تمرین امادگی اهل ایمان خصوصا مدیریت اسلامی برای سفر آخرت و ارزیابی عملکرد و حسابرسی الهی

احدیت الهی و مراتب الزامات دینی، و جایگاه سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ مراتب الزامات دینی:

➤ «اسلام»: «الزامات فقهی حقوقی»

➤ «ایمان»: «الزامات فقهی حقوقی + حد اقل الزامات اخلاقی»

➤ «یقین (و احسان)»: «الزامات فقهی حقوقی + حد اقل الزامات اخلاقی + حد اقل الزامات عرفانی»

❖ «الزامات اهل ایمان»، حد اقل الزامات سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان»، الزامات اولیه اهل اسلام در دوره مکه، و پایه الزامات در مدینه

❖ «تداوم طهارت و تلاوت»، «اهتمام به نماز»، «ایتاء زکوة، و صبر بر عبادت، از معصیت و در مصیبت»،
الزام اولیه عموم اهل ایمان و خصوصا سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان» و پیوست محرمانت اولیه غذایی:

«قل لا اجد فی ما اوحی الی محرما علی طاعم... الا ان یکون میتة او دما مسفوحا او لحم خنزیر، فانه رجس او فسقا اهل لغير الله به؛...» (انعام/۱۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

▪ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۱) سلوک شخصی:

➤ اهل عشق به خدا و انس به خلوت مستمر و مناجات با خدا و تلاوت قرآن:

«انما المومنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و اذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا و على ربهم ينوكلون» (انفال/۲)

➤ اهل تواضع و فروتنی و دوری از منیت و خود خواهی و عجب و غرور:

«اذلة على المومنين...» (مائده/۵۴)

➤ زهد به دنیا و مراقبت از امور، موقعیتها و مصرف شبهه ناک:

«يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و اعملوا صالحا...» (مومنون/۵۱) / «... لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم...» (حدید/۲۳)

«و لاتمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجنا منهم زهرة الحياة الدنيا لنتفتم فيه و رزق ربك خير و ابقى» (طه/۱۳۱)

➤ اهل محاسبه نفس و نقد جدی خود و طالب مستمر عفو و غفران و رحمت خدا:

«يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم؛ لا يضرکم من ضل اذا اهتديتم؛ الى الله مرجعکم فينبئکم بما كنتم تعملون» (مائده/۱۰۵)

«لا اقسام بيوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة...» (قيامت/۱-۲)

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خير بما تعملون؛ و لا تكونوا كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم اولئك هم الفاسقون» (حشر/۱۸-۱۹)

«و اذكر ربك في نفسك تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لاتكن من الغافلين» (اعراف/۲۰۵)

➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۲) سلوک اجتماعی و سازمانی:

➤ جلوه گاه توحید و یاد خدا و عشق به آخرت:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن شريف بن سابق، عن الفضل ابن أبي قرة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: قالت الحواريون لعيسى: يا روح الله! من نجالس؟ قال: من يذكركم الله رؤيته؛ و يزيد في علمكم منطقه و يرغبكم في الآخرة عمله» (كافي، ۱ / ۳۹)

➤ اخلاص در فکر و نیت و عمل، و دوری از خود نمایی و ریاکاری

➤ دیدن ارزشهای اصیل دیگران و قدر شناسی مناسب از آنان:

«و الى مدین اخاعم شعيبا قال يا قوم ... فافوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس اشياءهم...» (اعراف/۸۵)
«ويل للمطففين الذين اذا اکتالوا على الناس يستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم يخسرون ...» (مطففين/۱-۲)

➤ عشق به حقیقت و تشنه دانش کارگشا:

«قال له موسى: هل اتبعك على ان تعلمني مما علمت رشدا» (كهف/۶۶)

«وقفوا اسماعهم على العلم النافع لهم...» (ع): (خطبه متقين، ۱۹۳)

➤ اهل مشورت مستمر و دوری از استبداد رای:

«و شاورهم في الامر» آل عمران/ / «و امرهم شوری بینهم» (شوری/۲۸)

➤ اهل رسیدگی به احوال نیازمندان (فقراء و مساکین، ایتام و ...):

«فأت ذا القرنی حقه و المسکین و ابن السبل؛ ذلک خیر للذین یریدون وجه الله؛ و اولئک هم المفلحون» (روم/۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ عشق و رحمت، و فروتنی و نرمش با اهل توحید و مقابله سخت نفوذ ناپذیر با دشمنان خدا:

«... اذلة على المومنين و اعزة على الكافرين...» (مائده/۵۴) / «... اشداء على الكفار و رحماء بينهم...» (فتح/۲۹)

➤ اهل توکل بر خدا و عدم واهمه از غیر خدا و قاطعیت و صلابت در بیان و دفاع از حق و عمل به آن:

«و على الله فليتوكل المؤمنون» (ابرهیم/) / «... يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم...» (مائده/۵۴)

«الذين يبلغون رسالات الله و يخشونه و لا يخشون احدا الا الله و كفى بالله حسيبا» (احزاب/۳۹)

«سألت الرضا (عليه السلام) فقلت له: جعلت فداك، ما حد التوكل؟ فقال لي: أن لا تخاف مع الله أحدا» (امالی صدوق، ص ۳۱۱)

➤ ...

➤ وحدت و هماهنگی مبتنی بر احدیت، و سلوک مدیریت اسلامی:

❖ پرچمداری حفظ وحدت و انسجام اجتماعی، سازمانی، ملی، منطقه ای و بین المللی، مبتنی بر ارزشهای انسانی و اسلامی:

➤ حمایت از وحدت و مبارزه با نماد های تفرقه و اختلاف افکنی

سیره امیر مومنان (ع) بعد از سقیفه برابر ابوسفیان و دارودسته بنی امیه

➤ سعه صدر در مواجهه فرهنگی با مخالفین و تلاش وافر برای حفظ وحدت:

سیره امیر مومنان (ع) در مواجهه با اصحاب سقیفه، حمل، معاویه و خوارج

➤ تحمل و پرداخت هزینه های حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و سازمانی:

مدارای دردآور فوق انتظار با اصحاب سقیفه (خلفای ثلاث)، و جنگ خونین با وحدت شکنان متجاوز

سیره امام خمینی ره: «اینجانب با تمام طاقت، در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می‌کنم، و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم، که هستی ملت بدان پیوسته است، استمداد می‌نمایم». (صحیفه امام؛ ج ۲؛ ص ۲۲۸، نجف، ۱ شهریور ۱۳۵۷)

❖ جذب حداکثری مبتنی بر ارزشهای ثابت الهی، و دفع حداقلی

❖ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء الهی:

❖ سیره مدیریتی حضرت ابراهیم (ع) در برابر نظام شرک:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ:

إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ؛

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ؛

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبَّا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه ۴-۶)

❖ سیره مدیریتی پیامبر اسلام، در آغاز جنگ با مشرکان:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بَاتِهِمْ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ؛ وَ لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لِيَنْصُرَنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

❖ سیره امیرمومنان (ع) در جنگ جمل:

«... المقدام بن شريح بن هاني عن أبيه قال : إن أعرابيا قام يوم الجمل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال:

يا أمير المؤمنين أتقول : ان الله واحد؟ قال:

فحمل الناس عليه و قالوا : يا أعرابي أما ترى ما فيه أمير المؤمنين من تقسم القلب؟

فقال أمير المؤمنين عليه السلام : دعوه فان الذي يريده الاعرابي هو الذي نريده من القوم ،...» (توحيد صدوق، ۸۳؛ نور الثقلين، ۵ / ۷۰۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► .. جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی اصحاب کهف:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاهُمْ هُدًى؛
وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا» (كهف/۱۳-۱۴)

❖ سیره مدیریتی اهل ایمان:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ؛ نُزِّلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ» (فصلت/۳۰-۳۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► جلوه های اشکار و پنهان از حفظ وحدت اجتماعی مبتنی بر «احدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی حضرت هارون (ع) در برخورد با گوساله پرستان: (صلاحیت رهبری و وحدت ارتدادی امت)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؛ قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي؛

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (طه/۹۲-۹۴)

❖ سیره مدیریتی حضرت امیر مومنان(ع) در برخورد با اصحاب سقیفه:

«و من کلام له عليه السلام لما عزموا على بيعة عثمان: لقد علمتم اني اُحق الناس بها من غيري .

و و الله لأسلمن ما سلمت أمور المسلمين؛

و لم يكن فيها جور إلا علي خاصة التماسا لأجر ذلك و فضله، و زهدا فيما تنافستموه من زخرفه و زبرجه» (نهج، خ ۷۴)

► نمونه های اشکار و پنهان تعارض وحدت اجتماعی با «احدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی امام حسین(ع) با فتنه یزید: (همراهی امت غافل مرعوب با رهبری مرتد):

«... و یزید فاسق شارب الخمر و قاتل النفس؛ و «مثلی لایبایع مثله» ... قال(مروان) : اني امرک ببيعة یزید فإنه خیر لك في دینک و دنیاک!

فقال عليه السلام : إنا لله و إنا إليه راجعون؛ و على الإسلام السلام! إذ قد بليت الأمة براع مثل یزید

(الفتوح، ۵ / ۱۷، انساب الاشراف، بلاذری، ترجمه الحسين(ع)، ۱۶۶)

❖ سیره مدیریتی حضرت امام خمینی ره در مقابل محمد رضا پهلوی:

«سخنرانی امام ره در مورد تصویب کاپیتولاسیون» ۴ ابان ۱۳۴۳ قم، «مباحثه حضرت امام ره با مرحوم آقای حکیم» ۲۷ مهرماه ۱۳۴۴، نجف.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ صمدیت الهی:

❖ بی نیازی ذاتی:

«حدثنا أبي رحمه الله ، قال : حدثني سعد بن عبد الله ، قال : حدثنا محمد ابن عيسى بن عبيد ، عن يونس بن عبد الرحمن ، عن الربيع بن مسلم ، قال : سمعت أبا الحسن عليه السلام و سئل عن الصمد فقال : الصمد الذي لا جوف له» (صدوق، توحيد، ۹۳)

❖ بی نیازی از غیر :

الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحيد/۲-۵)

❖ مرجعیت رفع نیاز غیر:

«حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رحمه الله، قال: حدثنا محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الوليد و لقبه شباب الصيرفي، عن داود بن القاسم الجعفري،

قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلت فداك، ما الصمد؟ قال: السيد المصمود إليه في القليل و الكثير». (صدوق، توحيد، ۹۴)

❖ فرمانروایی محبوب عالم:

«قال الباقر عليه السلام : الصمد السيد المطاع الذي ليس فوقه أمر و ناه». (همو، همان، ۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

صمدیت الهی و رهنمودهای مدیریتی:

❖ اصل اول: توکل بر خدا و استمداد از او:

«... و من يتوكل على الله فهو حسبه؛ ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شىء قدرا» (طلاق/۳)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سیح بحمده ...» (فرقان/۵۸)

❖ اصل دوم: تلاش و همت مستقل در کسب روزی:

«الكاد لعیاله كالمجاهد فی سبیل الله» (کافی، ۵ / ۸۸)

❖ اصل سوم: عزت نفس و بی نیازی از غیر، حتی خوبان، پرهیز از تملق و مذمت غیر:

«ما اكل احدكم طعاما قط خيرا من عمل يده» (ص): (کافی، ج ۸)

«الحسین بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد، عن صالح بن أبي حماد، جميعا عن الوشاء، عن أحمد بن عائد، عن أبي خديجة سالم بن مكرم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): **من سألنا أعطينا و من استغنى أغناه الله**» (کافی، ۲ / ۱۳۸)

«اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَ لَا تَبْذُلْ جَاهِي الْإِفْتَارَ فَاسْتَرْزُقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَ اسْتَعْطِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ - وَ ابْتَلِي بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي وَ أُفْتِنِ بِذَمِّ مَنْ مُنَعَانِي وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نهج، خ ۲۲۵، ص ۳۲۸)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَ لَا تَبْذُلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعْطِفِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَافْتِنِي بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَ ابْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مُنَعَانِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ» امام سجاد (ع): (صحیفه، دعای مکارم الاخلاق: دعای ۲۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

❖ اصل چهارم: ضرورت حفظ عزت نفس، و پرهیز از ابراز نیاز به تبهکاران و بی دینان و منت کشی آنان و بالعکس، ابراز نیازمندی به خدا و بندگان خوب خدا:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن علي بن حسان، عن حدثه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذه . «**ما أقبح ان تكون في مومن رغبة تذه**» (كافي، ۲ / ۳۲۰)

«علي بن إبراهيم عن أبيه عن عثمان بن عيسى عن عبد الله بن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: **إن الله تبارك وتعالى فوض إلى المؤمن كل شئ إلا ادلال نفسه**» (كافي، ۵ / ۶۳)

«محمد بن الحسين عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر عن عبد الله بن حماد الأنصاري عن عبد الله بن سنان عن أبي الحسن الأحمسي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله عز وجل فوض إلى المؤمن أموره كلها و لم يفوض إليه ان يكون ذليلا اما تسمع قول الله تعالى يقول: **«و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين»** فالمؤمن يكون عزيزا و لا يكون ذليلا؛

ثم قال: إن المؤمن أعز من الجبل ان الجبل يستقل منه بالمعاول و المؤمن لا يستقل من دينه بشئ» (كافي، ۵ / ۶۳؛ تهذيب، ۶ / ۱۷۹)

«... و هَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ و بِأَوْلِيَائِكَ و أَهْل طَاعَتِكَ؛ و لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ و لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، و لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، و لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ،

بَلِ اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي و أَنْسَ نَفْسِي و اسْتَغْنَائِي و كَفَايَتِي بِكَ و بِخِيَارِ خَلْقِكَ» امام سجاد (ع): (صحيفه، دعاى ۲۱)

❖ اصل پنجم: نهی شدید از سربار دیگران شدن:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي الخزرج الأنصاري، عن علي بن غراب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : **ملعون ملعون من ألقى كله على الناس**، ملعون ملعون من ضيع من يعول» (كافي، ۴ / ۱۲)

«محمد بن يحيى ، عن محمد بن الحسين ، عن عبد الرحمن بن محمد الأسدي، عن سالم بن مكرم ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : اشتدت حال رجل من أصحاب النبي (صلى الله عليه وآله) فقالت له امرأته، لو أتيت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فسألته فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فلما رآه النبي (صلى الله عليه وآله) قال: **«من سألنا أعطيناه و من استغنى أغناه الله»**، فقال الرجل: ما يعني غيري فرجع إلى امرأته فأعلمها، فقالت: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) بشر فأعلمه؛ فاتاه فلما رآه رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: **«من سألنا أعطيناه و من استغنى أغناه الله»**، حتى فعل الرجل ذلك ثلاثا ثم ذهب الرجل فاستعار معولا ثم أتى الجبل ، فصعده فقطع حطبا، ثم جاء به فباعه بنصف مد من دقيق فرجع به فأكله، ثم ذهب من الغد ، فجاء بأكثر من ذلك فباعه، فلم يزل يعمل و يجمع حتى اشتري معولا، ثم جمع حتى اشتري بكرين و غلاما ثم أترى؛ حتى أيسر فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فأعلمه كيف جاء يسأله و كيف سمع النبي (صلى الله عليه وآله) فقال النبي (صلى الله عليه وآله) : قلت لك: **«من سألنا أعطيناه و من استغنى أغناه الله»** (كافي، ۲ / ۱۳۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

➤ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

"و لَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولِي قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ ... مع قناعة تملأ القلوب و العيون غنى"؛ علی (ع)، (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷ ص ۲۹۲)

❖ بی نیازی از دشمن در اقتصاد مقاومتی حضرت موسی (ع):

«وَ إِذْ قُلْتُمْ: يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ! فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قِنَائِهَا وَ قُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا؛

قَالَ: أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ؟! اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ؛

وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَفْتُلُونَ النَّبِيِّينَ ... ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره/۶۱)

«... وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَتَهُمْ وَ ظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَكَ كُلُّوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنَّ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (اعراف/۱۶۰)

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَكَ؛

كُلُّوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» (طه/۸۰-۸۱)

❖ تذکر به تجربه کشورهای دیگر:

➤ ریاضت اقتصادی چند ده ساله، و خود تحریمی ۱۰ ساله چین (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی آلمان بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی در احیاء شرکت کرایسلر (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، با ثلث درآمد گذشته!)

... ➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

❖ سیره پیامبر اسلام(ص) و مومنین در شعب ابی طالب در برابر محاصره اقتصادی و بایکوت اجتماعی:

➤ وضعیت شعب در گزارش امیر مومنان (ع):

«خویشان ما (قبیله قریش) بر این شدند که پیامبر ما را بکشند و نسل ما را براندازند. درباره ما تصمیم گرفتند و ستمها روا داشتند. خواروبار از ما قطع کردند و آب گوارا از ما بازگرفتند و ما را در جایگاه بیم و هراس نشانند و جاسوسها بر ما گماشتند و ما را ناچار ساختند تا در میان کوهی ناهموار پناه جویم و بدین اکتفا نکرده جنگ علیه ما افروختند و پیمان نامه در میان خود علیه ما نوشتند بدین مضمون که:

▪ با ما هم خوراک نشوند و با ما آب ننوشند؛

▪ و با ما وصلت و ازدواج نکنند؛

▪ و خرید و فروش نمایند؛

▪ و از آنان در امان نباشیم تا اینکه **محمد(ص)** را در اختیار آنان نهیم تا اینکه وی را بکشند و جسدش را مثله [=قطعه قطعه] کنند.

جز در موسم **حج** و **عمره** ما **بنی هاشم** از امنیت برخوردار نبودیم. اما **مشیت خداوند** درباره ما چنین قرار گرفت که ما با تمام وجود از آن حضرت دفاع کنیم. و پروانه وار شمع وجودش را طواف نماییم و با شمشیرهای خود شب و روز از او حمایت کنیم. مومنانمان به انگیزه نیل به پاداش پروردگار و کافرانمان به منظور دفاع از حریم قوم و تبار از وجود مقدس وی حمایت می کردند.» علی (ع):

(شوشتری، بهج الصباغه، ۱۲۷۶ش، ج۲، ص۲۵۵، به نقل از نصر بن مزاحم، وقعه صفین)

➤ سیره و ابتلائات حضرت یوسف (ع)، از الگوهای الهی برای پیامبر و یاران در دوره محاصره:

«نزول سوره یوسف (ع) در دوره شب ابی طالب»

(مدت محاصره: محرم سال هفتم بعثت تا رجب سال دهم)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

■ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره پیامبر(ص) و مومنین در برابر محاصره اقتصادی و نظامی جنگ احزاب:

➤ اوضاع سخت مسلمانان:

«مسلمانان از پشت سر خود (داخل مدینه) از جانب بنی قریظه در مورد خانواده هایشان ایمنی نداشتند و نیز از مقابل، با سپاه انبوه مشرکان که هر چندگاه از قسمت های تنگ خندق می گذشتند، درگیر می شدند، دچار هراس زیادی شدند». (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۷۴)

قرآن وحشت مسلمانان و بدگمانی آنان به وعده های خداوند را کاملاً وصف کرده است. (طبری، ۱۲۲۰، ج ۱۰، ص ۲۷۰-۲۶۴):

«اذجاؤوكم من فوقکم و من اسفل منکم؛ و اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر و یظنون بالله الظنونا؛ هنالك ابتلى المومنون و زلزلوا زلزالاً شديداً؛ و اذ يقول المنافقون و الذين فى قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا (احزاب/ ۱۰-۱۲)

این ترس به گونه ای بود که مُعْتَب بن قُشیر، از منافقان، گفت: محمد به ما وعده گشایش قصرهای کسری و قیصر را می داد، در حالی که اکنون کسی برای قضای حاجت هم جرات بیرون رفتن ندارد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۵۱؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۷۲؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳)

نقض عهد بنی قریظه، سرماى شدید، قحطی و گرسنگی و فشار بر مسلمانان به اوج خود رسید. ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳.

قرآن نیز ضمن آوردن آیاتی به این مطلب اشاره کرده است. (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۹۵):

«ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یاتکم مثل الذين خلوا من قبلكم؛ مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتى یقول الرسول و الذين آمنوا:

متى نصر الله؟؛ الا ان نصر الله قریب» (بقره/ ۲۱۴)

➤ سیره پیامبر(ص) و مومنین:

«لقد كان لكم فى رسول الله اسوة حسنة ...»

«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه و منهم من قضى نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً» (احزاب ۲۱-۲۳)

«الآن نغزوهم و لا یغزوننا» (ص): (صحیح بخاری، ۵ / ۲۸؛ حلیه الاولیاء، ۴ / ۳۴۵)

مسلمانان روز و شب در سرما و گرسنگی شدید به نوبت از خندق پاسداری می کردند. (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۵، ۴۶۸)

معجزاتی از رسول خدا(ص) درباره سیرکردن مسلمانان نقل شده است. (ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوة، ۱۳۹۷ق، ص ۴۳۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

❖ صمدیت و فشار اقتصادی مومنین:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا!
تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء / ۹۴)

«يا ايها الذين آمنوا انما المشركون نجس؛ فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا؛

و ان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء؛ ان الله عليم حكيم» (توبه/۲۸)

❖ جلوه لطيف صمدیت در سیره جناب سلمان:

«دعا سلمان ابا ذر "ره" ذات يوم إلى ضيافة فقدم إليه من جرابه كسرة يابسة و بلها من ركوته؛ فقال أبو ذر:

ما أطيب هذا الخبز، لو كان معه ملح؛ فقام سلمان و خرج و رهن ركوته بملح و حمله إليه؛ فجعل أبو ذر يأكل ذلك الخبز و يذر عليه ذلك الملح و يقول:

الحمد لله الذي رزقنا هذا القناعة؛ فقال سلمان: «لو كانت قناعة لم تكن ركوتي مرهونة!»

امام جواد از پدران معصوم از امام سجاد (ع): (عيون اخبار الرضا، صدوق، ۲ / ۵۸؛ بحار، ۲۲ / ۲۲۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

► نگرشی اجمالی بر ویژگی های سوره حمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/۱-۴)

«اياك نعبد و اياك نستعين» (۵)

اهدنا الصراط المستقيم» (۶)

«صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم، و لا الضالين» (۷)

❖ اسامی با مسماى سوره:

حمد، فاتحة الكتاب، ام الكتاب، سبعا من المثاني...

❖ سوره حمد خلاصه كل قرآن:

«بسم الله ...» خلاصه سوره حمد، «سوره حمد»، خلاصه قرآن:

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/)

❖ حاوی اسم اعظم الهی:

«و عن جعفر بن محمد (عليهما السلام)، أنه قال: من قرأها - يعني سورة الفاتحة - فتح الله عليه خير الدنيا و الآخرة ،

و قال (ع): ان اسم الله الأعظم مقطع في هذه السورة». (مستدرک الوسائل، نوری، ۴ / ۲۳۰)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/ ۱-۵)

❖ «الله»: اسم اعظم الهی، مستجمع جميع صفات:

➤ خالق هستی:

«الله خالق كل شيء و هو على كل شيء وكيل» (زمر/ ۶۲)

➤ رب العالمين:

«ربنا الذي اعطى كل شيء خلقه ثم هدى» (طه/ ۵۰).

❖ «الرحمن»:

➤ اسم اعظم مختص الله:

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ايا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اعراف/)

➤ رحمت ابتدایی فراگیر:

ناظر به نحوه ربوبیت در «نظام خلقت و هدایت» :

«الرحمن على العرش استوى» (طه/ ۵)/ «و رحمتی وسعت كل شيء...» (اعراف/ ۱۵۶)

❖ «الرحيم»: رحمت پاداشی:

«هو الذي يصلى عليكم و ملائكته ليخرجكم من الظلمات الى النور و كان بالمؤمنين رحيمًا» (احزاب/ ۲۳)/ «و سأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوة و الذين هم بآياتنا يؤمنون» (اعراف/ ۱۵۶)

«لئن شكرتم لازيدنكم و لئن كفرتم، ان عذابي لشديد»/ «نبئ عبادى انى انا الغفور الرحيم؛ و ان عذابي هو العذاب الاليم» (حجر/ ۴۹-۵۰)

❖ مالك يوم الدين: (غضب مستتر: شديد العقاب بودن)

«و ما ادريك ما يوم الدين ثم ما ادريك ما يوم الدين؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/)

«... و كان (على بن الحسين عليه السلام) إذا قرأ "مالك يوم الدين" يكررها حتى كاد أن يموت». (كافى، ۲ / ۶۰۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:
«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

➤ **رحمانیت و رهنمود های مدیریتی:**

❖ **مدیریت رحمانی، حاکم بر عالم هستی:**

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ایا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اسراء/۱۱۰)/ «الرحمن على العرش استوی» (طه/۵)

❖ **رحمت شامل بر بندگان خدا {انفس(مسلمان و غیرمسلمان) و آفاق(ملک و ملکوت: جماد، نبات، حیوان، جن و ملک):**

«و رحمتی وسعت کل شیء...» (اعراف/۱۵۶)/ «ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما؛ فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک...» (غافر/۷)

«الله الذی سخر لكم البحر... و سخر لكم ما فی السموان و الارض جمیعا منه؛ ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (جاثیه/۱۲-۱۳)

«و الی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من الهه غیره؛ هو انشأکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه؛

ان ربی قریب مجیب» (هود/۶۱)

«اتقوا الله فی عبادته و بلاده؛ فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» علی (ع): (نهج، خ ۱۶۷)

❖ **تخریب زمین و تباهی منابع انسانی و محیط زیست، نماد مدیریتی شیطانی مدعی ارزش های انسانی معنوی:**

«و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الذی خصام؛ اذا تولى سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل؛ و الله لا یحب الفساد» (بقره/۲۰۵)

❖ **پیمانهای بین المللی محیط زیست و مدیریت رحمانی:**

(پیمان کیوتو، پاریس، گلاسکو و ...)

❖ **جامعیت در رفع نیاز مادی و معنوی، و اصالت و اولویت معنویات بر مادیات:**

«الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان» (الرحمن/۱-۴)

❖ **مقدمیت مادیات جهت تحقق معنویات:**

«و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا...» (قصص/۷۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

➤ ادامه مبحث «رحمانیت و رهنمود های مدیریتی»:

❖ **تکریم در رحمانیت (نظام تکوین و نظام هدایت):**

«یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم الذی خلقک فسویک فعدلک ...» (انفطار/ /) «اقراً و ربک الاکرم الذی علم بالقلم؛ علم الانسان ...» (علق/ ۱-۵)

❖ **ترجیح معنویات بر مادیات:**

«و الذین تبوءوا الدار و الایمان ...؛ یحبون من هاجر الیهم ... و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» (حشر/ ۹)

«یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام ...؛ و ان خفتم عیلة فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء؛ ان الله علیم حکیم» (توبه/ ۲۸)

❖ **رعایت اقتضات و مصلحتها:**

«الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز» (شوری/ ۱۹) «و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض؛ ...» (شوری/ ۲۷)

❖ **بلاء، پیک ویژه رحمت خدا:**

«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات؛ فبشر الصابرین... اولئک علیهم صلوات و رحمة؛ و ...» (بقره/ ۱۵۵)

❖ **مدیریت رحمانی، و التزام به پیوست اخلاقی در رعایت الزامات فقهی حقوقی:**

«ان الله یأمر بالعدل و الاحسان؛ و ایتاء ذی القربی و الیتامی، و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی؛ یعظکم لعلکم تذكرون» (نحل/ ۹۰)

❖ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ **نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب) و رهنمودهای مدیریتی:**

❖ **فوریت بازخورد گرایشی و منشی عملکرد نیک و بد (نظام عکس العمل):**

«قل کل يعمل علی شاکلته...» (اسراء/۸۲)/ «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون...» (آل عمران/۹۲) / «... و من یبخل فانما یبخل عن نفسه...» (محمد/۲۸) / «... و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون» (بقره/۹) / «... و ما یضلون الا انفسهم و ما یشعرون» (آل عمران/۶۹) / «... و ان یهلكون الا انفسهم و ما یشعرون»؛ «... و ما یمكرون الا بانفسهم و ما یشعرون» (انعام/۲۶ و ۱۲۲)

❖ **قطعیت در پاداش و «عفو و غفران» و «تانی (درنگ)» در تنبیه:**

«لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم، ان عذابی لشدید» (ابراهیم/۷)/ «نبی عبادی انی انا الغفور الرحیم؛ و ان عذابی هو العذاب الالیم» (حجر/۴۹-۵۰) «ما اصابکم من مصیبة فیما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر» (شوری/)

❖ **تقدم پاداش بر تنبیه:**

«هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما» (احزاب/۲۳)

«و سأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوة و الذین هم بأیاتنا یؤمنون» (اعراف/۱۵۶)

«یا من وسعت کل شیء رحمته، یا من سبقت رحمته غضبه» (ص)/ «یا من سبقت رحمته غضبه» علی (ع) : (بحار، ۹/ ۲۸۶ و ۲۳۹)

❖ **اصیل بودن پاداش، و فرعی بودن تنبیه:**

«صراط الذین انعمت علیهم؛ غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» (حمد/۷)

❖ **ده ها و صدها برابری پاداش، و همانندی در تنبیه:**

«من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا یجزی الا مثلها و هم لا یظلمون» (انعام/۱۶۰)

«مثل الذین ینفقون ... کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة؛ و الله یضاعف لمن یشاء؛ و الله واسع علیم» (بقره/۲۶۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

❖ همراهی پاداش مادی با رشد معنوی:

«و اذ تاذن ربکم: لئن شکرتم لازیدنکم...» (ابراهیم/۷)

«یا ابا ذر، إذا أراد الله بعبد خيرا فقهه في الدين، و زهده في الدنيا، و بصره بعيوب نفسه». (ص):

«إذا أراد الله بعبد خيرا منحه عقلا قويا و عملا مستقيما». على (ع): (عيون الحكم و المواعظ، واسطی، ۱۲۶)

«إذا أراد الله بعبد خيرا ألهمه الاقتصاد و حسن التدبير، و جنبه سوء التدبير و الاسراف». على (ع): (مستدرک الوسائل، ۱۵ / ۲۶۶)

❖ همراهی «تنبیه مادی» با عبرت آموزی، تذکر معنوی و اصلاح:

«و ما ارسلنا فی قرية من نبي الا اخذنا اهلها بالاساء و الضراء؛ **لعلهم يضرعون**»؛ «و لقد آخذنا آل فرعون بالسنين و نقص من الثمرات **لعلهم يذكرون**» (اعراف/۹۴ و ۱۲۰) / «و لنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر **لعلهم يرجعون**» (سجده/۲۱).

❖ تنبیه موقت دنیوی اصلاحگر، مقدمه پاداش ابدی اخروی:

«عدة عن أحمد عن علي بن الحكم عن ابن جندب عن سفيان بن السمط قال قال أبو عبد الله عليه السلام:

« إذا أراد الله بعبد خيرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة و يذكره الاستغفار ... ». (الكافي، ۲ / ۴۵۲)

❖ پاداش ظاهری موقت مادی دنیوی مقدمه تنبیه ابدی اخروی:

نظام تنبیه استدراجی خالق هستی: حاکم بر افراد گنهکار سرکش مصر به ضدیت با حق:

«و الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون و املی لهم ان كیدی متین» (اعراف/۱۸۲-۱۸۳)

«و لقد ارسلنا الى امم من قبلك فآخذناهم بالبايآء و الضراء لعلهم يتضرعون؛ فلو لا اذ جاءهم تضرعوا و لكن قست قلوبهم و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون؛ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا، آخذناهم بغتة فأذا هم مبلسون؛

فقطع دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله رب العالمين» (انعام/۴۲-۴۵) / «سأرهقه صعودا» (مدثر/۱۷)

«... و إذا أراد بعبد شرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة لينسيه الاستغفار و يتمادى بها و هو قول الله تعالى:

« **سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ** » بالنعم عند المعاصي». (الكافي، ۲ / ۴۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

«علي(بن ابراهيم) عن أبيه عن القاسم بن محمد عن المنقري عن حفص بن غياث عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

« كم من مغرور بما أنعم الله تعالى عليه و كم من مستدرج يستر الله تعالى عليه؛ و كم من مفتون بثناء الناس عليه » (الكافي، ٢ / ٤٥٢).

❖ **«تنبیه مضاعف» مدیریت و بستگان گنهگار، و «تکریم مضاعف» مدیریت و بستگان خدمتگذار:**

«يا نساء النبي من يأت منكن بفاحشة مبينة يضاعف لها العذاب ضعفين و كان على الله يسيرا» (احزاب/٢٠)

«و من يقنت منكن لله و رسوله و تعمل صالحا نُؤْتها اجرها مرتين و اعتدنا لها رزقا كريما» (احزاب/٢١)

«و تفقد الطير فقال ما لى لا ارى الهدهد ام كان من الغائبين؛ لا عذبه عذابا شديدا او لاذبحنه؛ او ليأتيني بسلطان مبين» (نمل/٢٢)

❖ **عفو و گذشت و مدارای هرچه بیشتر با سطوح نازل سازمانی و جامعه:**

«خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلين» (اعراف/١٩٩)

❖ **هلاکت جوامع بر اثر وارونگی نظام پاداش و تنبیه:**

«... إنما هلك من كان قبلكم بمثل هذا؛ كانوا يقيمون الحدود على ضعفائهم و يتركون أقوياءهم و أشرافهم فهلكوا». (ص): (دعائم ...)

«إنما هلك بنو إسرائيل لأنهم كانوا يقيمون الحدود على الوضيع دون الشريف». (دعائم...)

« عن علي (ع) أنه كتب إلى رفاعة (بن شداد بجلى، قاضيه فى الاهواز):

أقم الحدود في القريب يجتنبها البعيد، لا تطل الدماء و لا تعطل الحدود» (دعائم الاسلام، ٢ / ٢٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

❖ قاعده کلی عملکرد جامعه انسانی و نظام پاداش و تنبیه عالم هستی در حیات دنیوی:

« لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ؛

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد/۱۱)

➤ عملکرد صالح جامعه:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْغُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف/۹۶)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (مائده/ ۶۵)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (مائده/۶۶)

➤ عملکرد فاسد جامعه:

«و ما أصابكم من مصيبة فيما كسبت أيديكم و يعفوا عن كثير» (شوری/۳۰)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/۲۵)

«ظهر الفساد فى البر و البحر بما كسبت ايدى الناس ليزيقهم بعض الذى عملوا لعلهم يرجعون» (روم/)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/۵۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:
مراحل مالکیت و ملوکیت الهی در روز قیامت:

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهيم / ۴۸)

«يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ؛ لمن الملك اليوم؟؛ لله الواحد القهار» (غافر/ ۱۶)

«لايسئل عما يفعل و هم يسئلون» (انباء/ ۲۳)

❖ **مرحله فوق العاده مالک «يوم الدين»:** جلوه ویژه از قدرت نمایی خدای رحمان:

«و ما ادريک ما يوم الدين؟؛ ثم ما ادريک ما يوم الدين؟؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/)

«و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا... و عنت الوجوه للحي القيوم...» (طه/ ۱۰۸)

«حَتَّىٰ إِذَا تَصَرَّحَتِ الْأُمُورُ - وَتَقَضَّتِ الدُّهُورُ وَأَزَفَ النَّشُورُ - أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضَرَائِحِ الْقُبُورِ وَأَوْكَارِ الطُّيُورِ - وَأَوْجِرَةَ السَّبَّاحِ وَمَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَاعًا إِلَىٰ أَمْرِهِ - مَهْطَعِينَ إِلَىٰ مَعَادِهِ رَعِيلًا صُمُوتًا قِيَامًا صُفُوفًا - يَبْغِذُهُمُ الْبَصَرُ وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِي - عَلَيْهِمْ لُبُوسٌ الْأَسْتِكَانَةِ وَصَرَعُ الْأَسْتِسْلَامِ وَالذَّلَّةِ - فَذَلَّتِ الْحَيْلُ وَانْقَطَعَ الْأَمَلُ وَهَوَتْ الْأَفْيِدَةُ كَاطِمَةً - وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ مُهَيَّبَةً - وَالْجَمُّ الْعَرَقُ وَعَظْمُ الشَّفَقِ وَأَرْعَدَتِ الْأَسْمَاعُ - لِيَزْبِرَهُ الدَّاعِي إِلَىٰ فَصْلِ الْخِطَابِ وَمُقَابِيضَةِ الْجَزَاءِ - وَنَكَالِ الْعِقَابِ وَنَوَالِ الثَّوَابِ» (نہج، خ ۸۳، ص ۱۰۹)

«سليمان بن جعفر ، باسناده ، عن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليه السلام ، أنه قال : إذا كان يوم القيامة جمع الله عز وجل الخلق

عراة ، فيوقفون بالمحشر ، حتى يعرقوا عرقا " شديدا " و تشتد أنفاسهم ، فيمكثون بذلك مقدار خمسين عاما " ، و ذلك قول الله عز وجل :

" و خشعت الأصوات للرحمان فلا تسمع إلا همسا» (شرح الاخبار ، قاضى نعمان، ۲ / ۴۶۸ ؛ بحار الانوار، ۷ / ۱۰۱).

❖ **مرحله عمومی مالک «يوم الدين»:** سيطره اقتدار مطلق الهی بر تمام عرصه های آخرت:

«يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ؛ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» (ذاريات/ ۱۲-۱۳)/ وَإِنَّ الْفُجَارَ لَفِي حَجِيمٍ؛ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (انفطار/ ۱۴-۱۵)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (صافات / ۸۲) / وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص / ۷۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله مالک «يوم الحساب»: حسابرسی از خالق و مخلوق!:

«فلنستئن الذين ارسل اليهم و لنستئن المرسلين» (اعراف/ ۶)

➤ حسابرسی از خالق! و رسولان الهی!:

✓ حسابرسی از خدای رحمان:

«... أَوْلَم نَعْمَرِكُمْ مَا يَنْذِكُرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ...» (فاطر/ ۳۷)

✓ حسابرسی از کارگزاران (انبیاء و معصومین صاحب منصب):

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا؟

قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» (انعام/ ۱۳۰)

➤ حسابرسی از خلائق (پرونده فردی و تشکیلاتی):

«و يوم يناديهم فيقول: ماذا اجبتم المرسلين؟...» (قصص/ ۶۵)

«أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ؛ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ؛ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (مطففين/ ۲-۶)

✓ حسابرسی به پرونده اعمال فردی:

«اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا» (اسراء/ ۱۴) / «و وضع الكتاب؛ فتری المجرمین مشفقین مما فیہ؛ و یقولون: یا ویلتنا! ما لهذا الكتاب لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الا احصیها؟! و وجدوا ما عملوا حاضرا؛ و لا یظلم ربک احدا» (کہف/ ۴۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

✓ حسابرسی به پرونده اعمال تشکیلاتی و سازمانی (اعمال رهبری، و اعضای سازمان):

• پرونده مشترک اعضای سازمان:

«تری کل امة جاثیه!؛ کل امة تدعی الی کتابها؛ الیوم تجزون ما کنتم تعملون» (جاثیه/۲۸)

«فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» (شعراء/۱۵۷)/ «... اذ انبعث اشقيها؛ ... فكدبوه فَعَقَرُوهَا؛ فدمدم عليهم ربهم بذنبهم ... و لا يخاف عقبيها» (شمس/۱۲-۱۵)

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَا وَالسُّخْطُ - وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ - فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا - فَقَالَ سُبْحَانَهِ: «فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» * - فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ خَارَتْ أَرْضُهُمْ بِالْخَسْفَةِ - خَوَارَ السِّكَّةَ الْمُحَمَّاةَ فِي الْأَرْضِ الْخَوَارَةَ» (نہج، خ ۲۰۱، ص ۳۱۹)

«فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ - بِلَا جُرْمٍ جَرَّهَ لِحَلِّ لِي قَتْلِي ذَلِكَ الْجَبِشِ كُلِّهِ - إِذْ حَصَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا - وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا بِيَدٍ - دَعَا مَا أَنْتُمْ قَدْ قَتَلْتُمُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ - مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ»

(نہج، خ ۱۷۲؛ الغارات، ثقفی کوفی، ۱/ ۲۱۰؛ الامامه و السياسه، ابن قتیبہ دینوری، ۱/ ۱۲۵)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ... قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ آخِثَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ: رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُونَا فَأْتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۲۷-۲۸)

• پرونده سرنوشت ساز رهبری سازمان:

«يوم ندعوا كل اناس بامامهم...» (اسراء/۷۱)

«يقدم قومه يوم القيمة فاوردهم النار؛ و بنس الورد المورود» (هود/) / «وَجَعَلْنَاَهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (قصص/۴۱)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (بقره/۲۴-۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا: اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛

وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (عنكبوت/۱۲-۱۳)

يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ؛ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا؛ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (احزاب/۶۶-۶۸)